

درس سوم: آزادی	
محنی	
۱ خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران گُنَش آن خانه که بیت الحَزَن است اگر وطن به دست بیگانگان آباد شود، آن را باید با اشک ویران کرد (باید به حال آن وطن گریه کرد و تأسف خورد) که آن وطن، دیگر شاد و آباد نست بلکه ماتمکده است	
۲ ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است مَسْلَكْ مَرْغُ گَرْفَتَارْ قَفْسْ، هَمْ چَوْ مَنْ است ناله مرغ گرفتار در قفس برای وطن است. روش نالیدن پرنده گرفتار در قفس به مانند ناله شاعر زندانی است.	
۳ همت از باد سحر می طلبم گو ببره خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است از باد سحر یاری می خواهم تا خبر من گرفتار را به دوستان آزادم برساند و آنها را از حال من آگاه سازد.	
۴ جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن پدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است	

	آن لباسی که بر تن داریم اگر در راه وطن غرقه به خون نگردد، باید آن را پاره کرد و دور انداخت زیرا که آن، لباس رسوایی است و بی ارزش تراز کفن است	
۵	آن کسی را که در این مُلک سلیمان گردیدم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است آن کسی را که در این کشور به پادشاهی رساندیم و او را چون سلیمان عادل می دانستیم، اکنون ملت ایران یقین حاصل کرده اند که وی (محمدعلی شاه) اهریمن است که به جای سلیمان بر تخت نشسته است.	
۶	در دفتر زمانه فند نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت هر ملتی که اندیشمند نداشته باشد در طول تاریخ و روزگار فراموش می شود.	
۷	با آنکه جیب و جام من از جام و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت با اینکه از امکانات زندگی بهره ای ندارم، اما به سبب وارستگی، به چنان آسایشی رسیده ام که حتی پادشاهی چون جمشید نداشت.	
۱	منظور از ناله مرغ اسیر چیست؟ ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است مَسْلَكَ مَرْغَ كُرْفَتَارَ قَفْسَ، هُمْ جُوْ مَنْ است شعری که در زندان برای وطن سروده شده است	
۲	منظور از بیت زیر چیست؟ آن کسی را که در این مُلک سلیمان گردیدم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است این تخت پادشاهی ایران، جای فردی چون حضرت سلیمان است نه جای اهریمن	
۳	باد سحر نماد چیست؟ همت از باد سحر می طلبم گو ببره خبر از من به رویی که به طرف چمن است نماد خبررسانی و پیک	
۴	منظور از «اهریمن» در بیت زیر کیست؟ محمدعلی شاه آن کسی را که در این مُلک سلیمان گردیدم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است	
۵	مفهوم بیت زیر چیست؟ هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت آزادی و وارستگی از وابستگی ها و تعلقات مادی و دنیایی	
	(ستور	